

بخاطر اولین شاهنامه چاپ سرسی و اولین شاهنامه چاپ سنگی در هند یادآور می‌گردد که اولین چاپخانه در سال ۱۲۰۰ هـ.ق. در هند تأسیس گردید و سی و سه سال بعد یعنی در سال ۱۲۳۳ هـ.ق. اولین چاپخانه بکشش عباس میرزا نایب السلطنه در تبریز تأسیس گردید و سپس در سال ۱۲۲۰ هـ.ق. به‌هممت منوچهر گرجی (معمدالدوله) وزیر اندرون فتح‌علیشاه چاپخانه به‌تهران آورده شد. این چاپخانه‌های اولیه در ایران چاپخانه‌های حروف سرسی بودند. کتب چندسی توسط این چاپخانه‌های حروف سرسی در تبریز و در تهران چاپ گردید ولی

بطرکیبیر به‌مسعی و اهتمام آقا عبدالعلی به انعام رسید و چندی بعد کارخانه چاپ سنگی آقا عبدالعلی به‌میرزا باقر واگذار گردید. (۱)

چاپ کتب چاپ سنگی بدین صورت بود که ابتدا مطالب و یا نقوش دلخواه را با مرکب چرب روی کاغذ آهاردار (نشانه زده) نوشته و بر روی صفحه سنگی صاف و صیقلی موردنظر می‌چسباندند و نوشته‌ها بصورت چپ گونه بر سنگ باقی می‌ماند و با اضافه کردن اسید اطراف نقاط مرکبی خورده شده و نوشته‌ها برجسته می‌گردید و با غلطاندن استوانه مرکبی غلطانی روی نوشته‌ها و فشار صفحه کاغذ روی آن نوشته‌های پدید آمده بر روی سنگ بر روی کاغذ نقش می‌بست و صفحات کتاب

فرهنگی و هنرهای نرفته در آن را در یک «سوزه کتب چاپ سنگی» پیشنهاد می‌نماید تا بررور بدان غنا بخشیده شود و بخاطر وظیفه‌ای که به من محول شده است به‌معرفی شاهنامه‌های چاپ سنگی می‌پردازد.



شاهنامه کتابی است که توده‌های مردم ایران و فارس زبانان دیگر کشورها سخت بدان عشق می‌ورزند، قرن‌ها شاهنامه فردوسی مورد علاقه این توده‌ها بود. توده‌های بی‌سواد، کم‌سواد و حتی باسوادان در قهوه‌خانه‌های نزدیک محل سکونت خود گرد می‌آمدند تا به‌گفته‌های نقال گوش فرا دهند، قهوه‌خانه‌های معروف دلرای نقال بودند، صاحبان

شاهنامه‌های چاپ سنگی

چاپخانه‌های مذکور در سال ۱۲۲۹ هـ.ق. در تبریز و در سال ۱۲۶۱ هـ.ق. در تهران تعطیل شدند و سپس چاپخانه‌های چاپ سنگی به‌تبریز و تهران آوردند.

در سال ۱۲۹۶ اولین چاپخانه چاپ سنگی به‌تبریز آورده شد و این چاپخانه تا سال ۱۲۵۶ هـ.ق. خیلی ثمرسخت نبود. چاپخانه چاپ سنگی در سال ۱۲۵۹ هـ.ق. توسط آقا عبدالعلی به‌تهران آورده شد بلافاصله بکار مشغول

چاپ سنگی را برچود می‌آورد. (۲)
با این یادآوری‌ها مشخص می‌گردد که چاپ شاهنامه بنا بر تاریخ چاپ آنها از همان اوان پیدایش صنعت چاپ چه در هند و چه در ایران با استقبال درخور توجهی مواجه بوده است. از آن پس چاپ شاهنامه به‌صورت رحلی یک جلدی بارها و بارها در هر دو کشور به‌چاپ رسیده است تا آنجا که اکنون تعداد چاپهای مختلف شاهنامه چاپ سنگی را به‌درستی نمی‌دانیم و علاوه بر آن تعداد کتب چاپ سنگی

پژوهش از: جواد صفی‌نژاد

قهوه‌خانه‌ها همیشه در پی جلب رضایت بهترین نقالان بودند تا مشتریان بیشتری را به‌قهوه‌خانه خود جلب نمایند.

عشایر لر بزرگ کتاب شاهنامه را کتاب «هفت لشگر» می‌نامند. کتاب هفت لشگر از دیدگاه آنها بایستی کتابی قطور و در اندازه رحلی و مصور باشد. لران اغلب اشعار کتاب هفت لشگر را از حفظ دارند، اینان بواسطه نداشتن سواد و عشق به‌شاهنامه به‌ر وسیله‌ای که ممکن بود یک نفر با‌سواد پیدا نموده و به‌سترین

برایشان شاهنامه بخوانند و در مواردی به گویش لری تفسیر نمایند. جلسات شاهنامه خوانی بسیار شلوغ می شد و با تر زدن نیز همراه بود.

هر رده عشایری شاهنامه خوان مخصوصی داشت، توده های عشایری به تنگام تبره به اشعار شاهنامه خوان غنچه گوش فرا می دادند و با شنیدن اشعار حماسی سخت به هیجان آمده و بی باکانه حمله خود را آغاز می کردند. استقبال بی نظیر مردم از شاهنامه باعث چابهای متعددی از شاهنامه می گردید از اینرو است که نگارنده تصمیم گرفت به معرفی اینگونه شاهنامه ها بپردازد و در این راستا اولین شاهنامه حجیم، رحلی و مصور چاپ هند (شاهنامه اصفهانی) و اولین شاهنامه حجیم، رحلی و مصور چاپ تهران (شاهنامه سلطان کجوری) را معرفی نماید امید است که بشوایند به معرفی شاهنامه های همانند دیگری نیز موفق گردد.

شاهنامه های چاپ سنگی

تمامی شاهنامه هایی که نزد اشخاص و یا در کتابخانه های کشورهای مختلف وجود دارند به سه دسته: خطی، چاپ سنگی و چاپ سریس تقسیم می شوند.

نسخه های خطی: نسخه های دستنویس یا خطی که تحریر آنها قبل از صنعت چاپ توسط علاقمندان برای نسخه برداری به کتابیان سفارش داده می شد. اغلب به سرلوحه ها و تصاویر زیبایی در رابطه با محتوای عناوین کتاب تزیین و مزین می گردید. اینگونه نسخه ها در سراسر جهان پراکنده و کتابخانه های عمومی و خصوصی به سختی از آنها مراقبت نمی آید. این دسته از شاهنامه ها بیشتر

نام مدکتاب شاهنامه زرد سوسی که در پیش صاحب خطم دیده ام کتاب نامور است می خوانی
 علی بیرونش از انفسر سید رضا شمسینی از برای در جواب نامه گفت
 را در کتابی در بنده محمودی بنی علی شمع در آید و بیارم بیارم شهر
 جب الرجب سنه ۱۲۹۰ هجری مطابق ۱۹۱۲ خورشیدی

صفحه پایانی شاهنامه اصفهانی به چاپ رسیده است آگاه ترین افراد اظهار بی اطلاعی می نمایند. این يك وظیفه ملی است که چنین کتابهای به دست اندازان و علاقمندان معرّفی گردیده و در کتابخانه ای جمع آوری شده و فهرست آنها به همراه شناخت مختصری از محتوای درونی آنها نیز منتشر گردد.

نگارنده که گاه به باره ای از این قبیل کتابهای چاپ سنگی بر می خورد که در هیچ کجا فهرست نشده اند و اغلب علاقمندان از نام و مشخصات آنها اظهار بی اطلاعی می نمایند. از اینرو تصمیم گرفتم که اینگونه کتب را در رده بندی خاص خود معرفی نمایم، در این راستا گوشش می نمایم مقتضاً به معرفی شاهنامه های چاپ سنگی حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر پرآوازه قرن چهارم طوس بپردازم.

شاهنامه تبریز:

در اواخر دوران سلطنت فتحعلشاه قاجار (سالهای سلطنت ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه. ق.) يك افسر نیروی دریائی انگلیس به نام «ترنر ماکان» که مأموریت سیاسی نظامی خود را در دارالحکومه کلکته هند انجام می داد زبان فارسی را فرا گرفته و علاقه وافری به مطالعه کتب فارسی مخصوصاً شاهنامه فردوسی در او بوجود

نسخ خطی فارسی کتابخانه ها و مجموعه ها آمده است که قدیمی ترین نسخه شناخته شده آن: شاهنامه خطی کتابخانه ملی شهر فلورانس ایتالیا است که تاریخ تحریر آن مربوط به سال ۶۱۲ ه. ق. می باشد. (۳)

نسخه های چاپ سریس: به خاطر نیاز انبوه نسخه های چاپ سریس شاهنامه، این کتاب می تواند همه جا در دسترس علاقمندان قرار گیرد و اغلب در کتابخانه ها نیز یافت می شوند و گه گاه کماب ترین آنها در بازار کتب یافت می شوند و اغلب مشخصات شناختی آنها در فهرست های کتب چاپی فارسی ذکر گردیده است.

نسخه های چاپ سنگی: اصولاً کتب چاپ سنگی به مناسبت تبریز کم و نگهداری نکردن آنها در مجموعه ای چه در گذشته و چه در حال، اغلب در کتابخانه های مهم و معتبر کشور یافت نمی شوند مثلاً اگر بگوئیم که در زمان ناصرالدینشاه قاجار چه تعدادی کتاب به صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است و فهرست آنها در کجا ضبط شده است هیچ کس قادر به پاسخگویی آن نیست و یا مثلاً اگر بگوئیم در مدرسه دارالفنون در دوران ناصری چه تعداد

تمام شد کبریا شاهنامه فردوسی طوسی رحمة الله علیه حسب التفریض
صاحب خط مشتم و قبله کترم خیر الجاح حاجی محمد حسین تاجر
طهرانی علم الاقل الاخره مصطفی قلی ابن مرحوم محمد باقری
سلطان کجوری بلده غفر الله له در حجاب خان شکرکه
صناعت دستکامی استادالاساذه
سرکار با اقدار فی فن الشریف خیر الجاح
حاجی عبدالحق الزری با تمامه
تباخی چهاردهم شهر محرم سنه ۱۲۸۱

نوع مقدمه وجود دارد.
الف: مقدمه ابومنصوری
ب: مقدمه باستانی

الف) مقدمه ابومنصوری:

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی از امرای معروف دوره ساسانیان است که مدتی حاکم طوس و سپس حاکم خراسان گردید، او نسب خویش را به شاهان قدیم ایران می‌رسانید، ابومنصور وزیر خویش ابومنصور معمری را دستور داد تا شاهنامه را گرد آورد، وی گروهی از فرزاتگان و آگاهان زرتشتی تاریخ ایران باستان به نامهای:

- ۱- تاج ابن خراسانی از هرات
- ۲- بزادان دادبن شاپور از سیستان
- ۳- مامری بن خورشید فرزند بهرام از نیشابور
- ۴- شادان پسر برزین از طوس

را گرد آورده و در حدود سال ۳۴۶ ه. ق. شاهنامه‌ای مشور را تألیف کردند که بعدها این شاهنامه مورد استفاده فردوسی قرار گرفت. شاهنامه مشور ابومنصوری از بین رفته است ولی مقدمه آن باقی است و همین مقدمه است که در آغاز شاهنامه‌های قدیم آورده می‌شد. (۸)

ب: مقدمه باستانی:

محررین و نسخه‌پردازان شاهنامه تا سال ۸۲۹ ه. ق. مقدمه ابومنصوری را در آغاز شاهنامه‌هایی که نسخه برداری می‌کردند می‌آوردند و در این سال بود که بایسنقر میرزا دستور داد تا مقدمه دیگری بر

مقدمه پایانی شاهنامه سلطان کجوری کلکته منتشر نمود، مشخصات این جلد از شاهنامه نوماس به شرح زیر است:

شاهنامه نوماس: ۲+۴۰+۵۲۷+۱۳۱

ص، وزیری، سنگی، نستعلیق، جلد اول، ۱۸۱۱، کلکته.

مشخصاتی از کتاب به زبان انگلیسی، چاپی و سری. (۹) در کتاب دیده می‌شود و از مجلدات دیگر آن مبنی بر جلد آنها تا سال ۱۸۲۶ اطلاعی در دست نیست. (۱۰)

نسخه‌های جمع‌آوری شده که در هند و ایران تحریر شده بودند پاره‌ای به خط نسخ و پاره‌ای هم با خط خوش نستعلیق نوشته شده بودند، سال تحریر کهن‌ترین نسخه‌های شاهنامه ترنر به سال ۸۸۲ ه. ق. می‌رسید و زیباترین آنها به خط نستعلیق خوش به قلم مولانا عبدالرحیم بن مولانا عبدالله تفرشی با تاریخ اختتام ۱۰۲۱ ه. ق. تحریر شده بود، ترنر با در دست داشتن کلیه این نسخه‌ها به تصحیح شاهنامه خود می‌پردازد و آنرا در چهار مجلد آماده نموده و مقدمه‌ای بر آن افزوده به انتشار آن همت می‌گمارد. مقدمه شاهنامه ترنر:

کتاب شاهنامه

نسخه

ابوالقاسم طوسی متخلص بعد از سن

۱۲۸۱ ه. ق. و هم‌زمان با سال ۱۲۸۱ ه. ق.

کپی‌توان تولد سلطان

باسم تعهد کاتب و خطور مقلد و نسخ‌کننده معروض شاهنامه
و شاهنامه فریب و نسخ‌کننده آن معروض می‌گردد
به‌شماره ۱۲۸۱ ه. ق. که با این تاریخ در آمد

جلد اول

مختصری و نویسنده و مترجم: ابومنصوری، سنه ۳۴۶ ه. ق.
لقد انزل فی این نسخه که در ۱۲۸۱ ه. ق. در طوس در کربلا

پشت جلد شاهنامه ترنر نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی پرداخته و تعداد هفده نسخه معتبر شاهنامه قدیمی و چند نسخه ناقص را گرد آورده و به مطالعه و ارزیابی آنها پرداخت.

در اینجا بایستی یادآور گردید که قبل از ترنر بخش از شاهنامه یعنی از آغاز کتاب تا داستان سیاوش را نوماس و اتالی (۱۱) با همکاری «الله داد میرزا مهدی» و دیگران در سال ۱۸۱۱ (۱۲۲۶ ه. ق.) تحت عنوان «شاهنامه» تاریخ باستانی ایرانیان، جلد

از شاعران گمان تیموری و فرزند میرزا شاعر خ
تیموری و برادر الغ بیک بود، در استرآباد
تیمورتاشی داشت، در سن ۳۷ سالگی در
گشت، وی اهل ادب و هنر بود، از
شعرا، فضلا، خطاطان و نقاشان حمایت
می کرد، گویند که در کتابخانه وسیع او
بیش از چهل خطاط معروف به سرپرستی
حضر بایسقری نسخه نویسی می کردند.

بایسقر میرزا دستور داد تا نسخه ای از
شاهنامه فردوسی را برای او استنساخ کردند
و مقدمه ای ارزشمند بر آن نوشتند که تحریر
آن در سال ۸۲۹ ه. ق. به پایان رسید و
این شاهنامه به نام او به شاهنامه بایسقری
مشهور گشت^(۱) که نسخه منحصر آن در
کتابخانه سلطنتی ایران موجود و در سال
۱۳۵۰ به همان شکل اولیه و اصلی خود
به چاپ رسید.

از آن پس مقدمه شاهنامه بایسقری در
دیباچه شاهنامه عالی که بعداً استنساخ
می گردید جای گرفت و همین مقدمه است
که با عنوان «حکایت گرد آویزین
باستان» نامیده در شاهنامه ترنر آورده شده
است. شاهنامه ترنر در چهار مجلد بین
سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۲ (۱۲۴۴ تا
۱۲۴۸ ه. ق) منتشر گردید، در صفحه
اول شاهنامه ترنر چنین می خوانیم:

«کتاب شاهنامه، تصنیف، ابوالقاسم
طوسی متخلص به فردوسی، که بسی و
اهتمام کمترین بندگانش آن بی نشان و
لامکان، کپتان ترنر مکان، بنسخ متعدد
قدیم و معتبر مقابله و تصحیح یافته
مع فریبغ لفاظ نادر و اصطلاحات عرب
و احوال آن سخن سنخ فصیح و ادیب
بدرالاحکومت کلکنه بقلب طبع
درآمده.»^(۱)

بنابر نوشته مقدمه شاهنامه چاپ پیشی
هند و محمد مهدی اصفهانی، مشخصات



سمته شدن اسفند یار بدست رستم

خط نسخ، حروف سری، کاغذ
غیر مرغوب، با وجود این کتاب مذکور در
همان اوان نایاب گردید تا آنجا که حدود
۱۰ سال بعد اصفهانی فوق الذکر
به زحمت توانسته بود در بمبئی يك نسخه
از دوره چهار جلدی آنرا تهیه نماید.

شاهنامه اصفهانی

محمد مهدی اصفهانی که در اواسط
قرن سیزدهم هجری فمری در بمبئی هند
بسر می برد فکر چاپ شاهنامه ای صحیح
را در يك مجلد بزرگ در سر می پروراند
زیرا خود در این راستا چنین می گوید:

«قبل از این به تاریخ ۱۲۴۸ هجری
مطابق ۱۸۲۲ عیسوی صاحب عالی شان
کپتان «ترنر مکان» که از عظامای امرای
انگلیسه است بدرالاحکومت کلکنه
بنهجی که در ابتدای دیباچه مسطور است
نسخ معتبره متعدده تحصیل نموده بدقت
تمام تصحیح نموده بطبع در آورده و در
تصحیح نمودن آن کمال دقت و سلیقه
بکسر برده چنانچه در این اوان نسخه ای
به این اعتبار شاید که در خزانه سلاطین
زمان یافت نشود و چون آن کتاب به خط
نسخ و چهار حروفی سری و کاغذ

صاحبان سابق نبود و معهذ نسخه آن در
این بلاد نایاب می نمود بنابراین بنده جانی
محمد مهدی اصفهانی در این اوان
سعادت نشان که سنه ۱۲۶۲ هجری
مطابق ۱۸۴۶ عیسوی است در پندر
معموره بمبئی آن نسخه را بدست آورده مع
شش نسخه دیگر که از آن جمله دو به خط
ایران و در نهایت اعتبار و چهار به خط
هندوستان و در اعتبار کمتر از آن
و...»^(۱)

اصفهانی علاوه بر نسخه های مذکور
حدود بیست نسخه خطی دیگر از شاهنامه
را مورد بررسی و مقابله قرار داده بود،
سرانجام خود نوشت که در نسخه تحریر
شده در ایران به مراتب بر نسخه های دیگر
مزیت داشت تا آنجا که یکی از آنها بسیار
با اعتبار و با اهمیت تشخیص داده
می شود زیرا تاریخ تحریر آن به حدود
«پانصدسال و کسری» قبل از سال ۱۲۶۲
ه. ق. یعنی اواسط قرن هشتم ه. ق.
می رسید که در نهایت درست و سالمی
باقی مانده بود.»^(۱)

متن اصلی و تصحیحی شاهنامه
اصفهانی، شاهنامه چهار جلدی ترنر قرار
گرفت و کم و کاستی های آن را بر اساس
نسخه معتبر ایرانی متعلق به قرن هشتم
هجری تصحیح نمود، در این باره خود
می گوید: «... السحق این نسخه
مصححه کلکنه (شاهنامه ترنر) بر آن چهار
نسخه هندوستان و يك نسخه خط ایران
تفوق بسیار داشت.»^(۱) در این راستا و
بر اساس نسخه های یاد شده اصفهانی
به تصحیح و مقابله نسخه ها پرداخته و
سرانجام در سال ۱۲۶۲ ه. ق. شاهنامه
خود را با مشخصات زیر منتشر نمود:

قطع: رحلی، يك جلدی، ۳۱۸۲۱
صفحات: چهارستون، ۵۴ بیته (بدون
محاسبه سرفصل ها و سرداستان ها).

۲ + ص هجرتنامه + ۱۱۰۳ ص متن چهار جلد + ۱۰۱ ص ملحقات + ۳۱ ص فرهنگ، جمع صفحات ۱۲۶۵ صفحه، مصور، صفحات جدول بندی شده، کاغذ نخودی رنگ نازک، کتابت، خط نستعلیق خوش، صفحات، صفحه گذاری شده در متن اصلی و حروف ربطی.

جلد: چرم ضخیم.
نوع چاپ: سنگی.

تصاویر کتاب: بدون امضاء، جمعاً ۵۷ تصویر (۲۲+۱۳+۱۲+۱۰) در چهار جلد) در پایان جلد چهارم صفحه ۱۱۰۳ و پایان ملحقات کتاب با اندک تغییری چنین می خوانیم:

«تمام شد کتاب شاهنامه فردوسی حسب الفربایش صاحب معظم»

«و قبله مکرم جناب آقای محمد مهدی اصفهانی، علی یدالاقبال الاحقر»

«سیدرضا حسینی شیرازی، در چهارم خانه کتبت راو کرجشانی»

«در بندر معوره بمبئی بحلیه طبع در آمده بتاريخ چهارم شهر رجب المرجب»

«سنه ۱۲۶۲ هجری مطابق ۲۹ شهر جون سنه ۱۸۴۶ عیسوی».

بدین ترتیب شاهنامه اصفهانی اولین شاهنامه یک جلدی، رحلی، کامل، حجیم، مصور، چاپ سنگی، خط نستعلیق ایرانی پسندهی است که در سال ۱۲۶۲ هـ. ق توسط ایرانیان مقیم هند در بمبئی با دلسوزی فراوان به چاپ رسیده است و اساس همه شاهنامه های چاپ سنگی بعدی هند و ایران قرار گرفت.

شاهنامه سلطان کجوری (۱۱)

مشخصات:

۳ - چاپ سنگی
۴ - صفحات چهارستونی، ۲۹ ردیفی، ۵۸ بیته (بدون محاسبه سرداستان ها)
۵ - تعداد صفحات کتاب جمعاً ۱۱۸۴ صفحه
۶ - بدون صفحه گذاری متداول، دارای حروف ربطی.
۷ - خط نستعلیق خوش ایرانی
۸ - تاریخ چاپ: آغاز ۱۲۶۵ هـ. ق. پایان چاپ، چهاردهم محرم سنه ۱۲۶۷ هـ. ق.

۹ - محل چاپ: چاپخانه مبارکه حاجی عبدالمحمد رازی، طهران.

۱۰ - برحسب فرمایش حاجی محمدحسین تاجرطهرانی،

۱۱ - به کوشش: مصطفی قلی فرزندی محمدهادی سلطان کجوری

پس از اتمام چاپ شاهنامه اصفهانی و انتشار آن در سال ۱۲۶۲ هـ. ق.، حدود سه سال پس از آن تاریخ یکی از علاقمندان ایرانی به نام «حاج عبدالمحمد رازی»^(۱۱) به فکر طبع شاهنامه رحلی و یک جلدی اصفهانی برآمد و چاپ آنرا در سال



آغاز جلد اول شاهنامه سلطان کجوری چنین می خوانیم:
«جلد اول، شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه الرحمه، چاپ طهران، ۱۲۶۵».

در جلدهای بعدی شاهنامه زمان و مدت چاپ شاهنامه را چنین می خوانیم:
«جلد دوم، شاهنامه حکیم، ابوالقاسم طوسی علیه الرحمه، چاپ طهران».
«هرو، جلد سیم، شاهنامه حکیم، ابوالقاسم فردوسی، طوسی رحمه الله، علیه، چاپ طهران، ۱۲۶۶».

«تمام شد جلد سیم شاهنامه فردوسی طوسی، و شروع جلد چهارم گردید، والسلام، ۱۲۶۶».

«تمام شد کتاب شاهنامه فردوسی طوسی رحمه الله علیه حسب فرمایش صاحب معظم و قبله مکرم خیرالحاج، حاجی محمدحسین تاجرطهرانی علی یدالاقبال الاحقر مصطفی قلی ابن مرحوم محمد هادی سلطان کجوری بلده غفرالله له در چهارم خانه مبارکه صنعت دستگامی استاد الاسادید سرکار با اقتدار فی فن الشریف اشوف الحاج و المعتمرنین حاجی عبدالمحمد الرازی با تمام رسیدن بتاریخ چهاردهم شهر محرم الحرام سنه هزار و دوست و شصت و هفت سنه ۱۲۶۷»

«غرض نقشی است کزما باز ماند که هستی را نمی بینم بقای مگر صاحب جلدی روزی برحمت کند در حق درویشان دعائی»^(۱۲).

در پایان ملحقات شاهنامه نیز نوشته های فوق با اندکی تلخیص مجدداً تکرار شده است و چهار مجلد شاهنامه ملحقات آن با این بیت به پایان می رسد:
پایان رسانیدم این داستان

که بر حسب حروف الفبا تا حرف «ی» ادامه می‌یابد و سپس فهرست سلاطین عجم و ایام سلطنت ایشان در دو صفحه آغاز شده و خاتمه کتاب به‌شبهه تفصیلی ذکر شده بتاريخ چهاردهم شهر محرم الحرام سنه ۱۱۲۶۷ (مجدداً تکرار می‌گردد).

موارد اشتراك دو شاهنامه:

در مقایسه دو شاهنامه چاپ سنگی، رحلی و قطره اصفهانی و سلطان کجوری بایستی یادآور شد که شاهنامه سلطان کجوری چاپ دوم شاهنامه اصفهانی است که عیناً از روی آن تحریر شده است زیرا:

- ۱- جدول بندی صفحات هر دو شاهنامه چهارستونی است.
- ۲- مقدمه ترنم در هر دو شاهنامه عیناً آمده است.
- ۳- مقدمه‌ای که اصفهانی برای شاهنامه خود نوشته عیناً در شاهنامه سلطان کجوری دیده می‌شود.
- ۴- نوشته‌های پایانی مجلدات و قسمتهای اصفهانی حدوداً دو شاهنامه کجوری هم اقتباس گردیده.
- ۵- موضوع و حالت نقاشی‌ها در هر دو شاهنامه یکی است.

موارد اختلاف دو شاهنامه:

- ۱- دو تحریر جداگانه
- ۲- شاهنامه اصفهانی چهارستونی ۲۷ ردیفی است ولی سلطان کجوری چهارستونی ۲۹ ردیفی
- ۳- کل صفحات شاهنامه اصفهانی ۱۲۶۵ صفحه ولی کل صفحات شاهنامه سلطان کجوری ۱۱۸۴ صفحه است.
- ۴- نقاشی‌های شاهنامه سلطان کجوری از نظر کیفی بمقاربت بهتر از نقاشی‌های



دیباچه شاهنامه سلطان کجوری با تاریخ چاپ ۱۲۶۷ هـ.

- ۱- شاهنامه اصفهانی است.
- ۵- شاهنامه سلطان کجوری حدود چهار سانتیمتر طولی‌تر از شاهنامه اصفهانی است ولی پهنا مانند است.
- ۶- خط نستعلیق خوش شاهنامه سلطان کجوری از نظر کیفی بمقاربت بهتر از خط نستعلیق شاهنامه اصفهانی است.
- ۷- شاهنامه اصفهانی دارای شماره‌گذاری مسلسل در صفحات متن و حروف ربطیه است ولی شاهنامه سلطان کجوری فاقد صفحه‌گذاری مسلسل و فقط دارای حروف ربطیه است.
- ۸- ترتیب محتویات دو شاهنامه چنین تدوین شده است:

اصفهانی: فهرست سلاطین عجم، مقدمه اصفهانی، مقدمه ترنم، هجرت‌نامه، متن اصلی، فرهنگ الفاظ، کججوری: هجرت‌نامه، مقدمه اصفهانی، مقدمه ترنم، متن اصلی، فرهنگ الفاظ، فهرست سلاطین عجم. نقاش: گفته شد که هر یک از دو شاهنامه دارای ۵۷ نقاشی است، نقاشی‌های شاهنامه سلطان کجوری از نظر کیفی و زیبایی بمقاربت بهتر از نقاشی‌های



مکتب مکتب‌الزاده‌ها در کوه سیلا شاهانه اصفهانی

شاهنامه اصفهانی است. نقاشی‌های شاهنامه اصفهانی دارای امضاء که مشخص کننده نام نقاش باشد نمی‌باشد ولی دو نقاشی از ۵۷ نقاشی شاهنامه سلطان کجوری دارای امضاء می‌باشند. ۱- نقاشی شکست خوردن تورانیان و گرفتارشدن خاقان چین در جلد دوم که رستم با کسند خاقان را از قیل پائین می‌کشد. در حاشیه راست بالای این نقاشی نام نقاش را چنین می‌خوانیم: «رقم میرزا علی قلی خوش». (نقاشی مربوط به سال ۱۲۶۶ هـ. ق.). ۲- نقاشی رزم رستم [فرخزاد سپهسالار یزدگرد ساسانی] با سعد و قاص و کشته شدن رستم در جلد چهارم، در این صحنه نام نقاش را در بالای صفحه چنین می‌خوانیم «عمل میرزا علیقلی خوی». (این نقاشی مربوط به سال ۱۲۶۷ هـ. ق. است). بالا بودن کیفیت نقاشی‌های شاهنامه سلطان کجوری بخاطر این است که قویاً نقاشی‌ها را میرزا علیقلی خوش کشیده است. میرزا علیقلی که نگارنده بین سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۰ نقاشی‌ها را از او می‌شناسد همان کسی است که در سال ۱۲۶۸ هـ. ق. در کتاب «اسرار الشهاده» (۱۳۸) منظم، نقاشی‌های با ارزشی از خود بجای می‌گذارد.

سلطان کجوری

شماره	موضوع	تعداد صفحه	نقاشی	سر لوحه	سال چاپ
۱	مجزنامه	۲	—	—	۱۲۶۶
۲	دیباچه	۳	—	—	۱۲۶۷
۳	دیباچه	۲۱	—	—	۲
۴	جلد اول	۳۰۹	۲۲	۱	۱۲۶۵
۵	جلد دوم	۲۲۰	۱۳	۱	۱۲۶۶
۶	جلد سوم	۲۷۰	۱۲	۱	۱۲۶۶
۷	جلد چهارم	۲۳۶	۱۰	۱	۱۲۶۷
۸	ملحقات	۹۲	—	—	۱۲۶۷
۹	ترهنگ الفاظ	۲۷	—	—	۲
۱۰	تهرت سلاطین	۲	—	—	۱۲۶۷
جمع	صفحات	۱۱۸۲	۵۷	۲	۱۲۶۵-۱۲۶۷

منابع

- ۱- دهخدا، علی اکبر: لغت‌نامه، حرف ج، تهران، ۱۳۳۸، ص ۷
- ۲- دائرةالمعارف فارس: جلد دوم، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، ص ۲۵۲۶
- ۳- شاهنامه فردوسی: چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس، مورخ ۶۱۹ هـ. ق. تهران، چاپ مشترک: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی (مرکز انتشار نسخ خطی) و دانشگاه تهران (مؤسسه انتشارات و چاپ)، تهران، ۱۳۱۱ هـ. ق. ۱۳۶۹ هـ. ش.، رتلی

- 4- Termer Micán
- 5- Thomas Watley
- ۶- انتشار [پژوی]، ایرج: کتابشناسی فردوسی، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۲۶۹ و صص ۳۹۲-۳۸۸. آقای انتشار در صفحات مذکور نمونه‌هایی از پشت جلد، پایان و درون کتاب را بدست داده‌اند.
- ۷- آقای محمدمهدی اصفهانی در مقدمه شاهنامه چاپ هند فقط از جلد اول شاهنامه توماس یاد کرده است.

- ۸- با واکبری: - معین محمد: فرهنگ معین، جلد ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۰، ص ۸۸۲
- اصفهانی محمدمهدی: شاهنامه چاپ سکر هند، ۱۲۶۲ هـ. ق.، ص ۵ مقدمه
- ۹- دائرةالمعارف فارسی، جلد اول، ۱-، ص، تهران، فرانکلین، ۱۳۲۵، ص ۳۸۷.
- ۱۰- انتشار [پژوی]، ایرج: شاهنامه از خطی تا چاپی، تهران، انتشارات هنر و مردم، ۱۳۵۵، ص ۵۱.
- ۱۱- اصفهانی، محمدمهدی: شاهنامه اصفهانی، پیش، ۱۲۶۲ هـ. ق.، ص ۱.
- ۱۱- شاهنامه اصفهانی، همان
- ۱۲- همان

۱۲- کجور ناحیه‌ای است در جنوب شرقی نیشابور مازندران در دامنه کوه البرز، روز کجور نیز از این منطقه می‌گذرد، دارای آثار تاریخی فراوان.

۱۵- رازی: اهل ری (از اهالی شهر ری)

۱۶- نقل شده، هم‌اکنون از پایان مجلات شاهنامه مرید بحث.

۱۷- در آن زمان رسم چنین بوده که مثلاً بجای سال ۱۲۶۷ چنین می‌نوشتند ۱۰۲۰۶۰۷ و در بسیاری از صفحات چنین شماره‌هایی دیده می‌شود.

۱۸- سرشار پروچوی، اسماعیل خان: اسرارشاهانه، چاپی، سگی، مستطیل خوش، مصور، زبیری، ۱۲۶۸ هـ. ق. - بخط عبدالحسین حاجی ابراهیم



نسخه‌شناسی - شاهنامه قوام‌بن محمد شیرازی

قربان عزیززاده

شیرازی - شاهنامه قوام نامیده می‌شود که در سال ۱۰۰۰ هجری کتابت شده است.

شاهنامه قوام در قطعی که اینک رحلی بزرگ با سلطنت نامیده می‌شود به ابعاد ۲۶×۳۲ سانتی‌متر است و جلد ۲ نئس با سر طبل، رویه زربوش با نقوش اسلیمی ماری، اندرون جلد با تزیینات معرق ترنج‌دار و واگیره با عطف چرمی نه دوخت و جزئی مصدوم و کسرदार



نگارش و تهیه نسخه‌ای از شاهنامه یکی از ستهای ادبی - هنری ایران طی قرون متعادی است، بر این اساس که تعدادی نسخ شاهنامه خطی از قرون هشتم - اواخر ایلخانیان مغول تا اواسط دوره قاجاریه به جای مانده است. از میان آنان دو نسخه نفیس خطی شاهنامه - اینک جزء آثار موزه رضا عباسی در تالار نگارگری به معرض تماشا است که یکی مرسوم به شاهنامه داورى و نسخه دوم به نام کاتب آن - قوام‌بن محمد

کاغذ زرافشان همراه با جدول کشی های متعدد الزان است.

این منظومه رفیع شامل ۵۷۷ برگ و به شیوه نستعلیق خوش با رقم کتبه العبد قوام بن محمد - شیرازی سنه الف - است، با توجه به تاریخ اتمام کتابت و رقم کاتب این نسخه به هنگام سلطنت شاه عباس اول صفوی تحریر یافته و هر صفحه شامل بیست و پنج سطر چهارستونی و سطح مکتوب آن در هر صفحه حدود ۱۴/۷ × ۲۶/۵ سانتی متر است. نسخه موصوف دارای هفت برگ آستر و بدرقه است و در این اوراق نقش



به نشانه تحویل و کنترل کتابداران قرنهای یازدهم و دوازدهم هجری ملاحظه می شود و برخی نشانه های مالکیت و انتساب نسخه در اوراق اخیر الذکر به عمد محو شده اند.

- مقدمه نسخه در چهارده صفحه کاغذ زرافشان به قلم تحریری است و در نگاهی اجمالی به نظر می آید در تهیه استنساخ آن، شاهنامه بایسنغری مورد توجه بوده است.

نسخه با دو صفحه مذهب چهارستونی با جدول کشی الزان و تشعیر به شیوه مکتب اصفهان آغاز می شود و با ابروی ساری، علا و گل اندازی بین سطور تزئین مضاعف می یابد.

- آغاز نسخه با سر لوح مذهب است و



کلیه سر فصل ها مزین، مذهب و عنایین در عموم موارد رنگین نویسی به قلم سفیداب و همه اوراق راده دارد.

- این نسخه را سی و هشت صفحه مصور مجلس مینیاتر، زینت سی بخشد که پاره ای مضامین مهم را به تصویر کشیده است، متأسفانه در هیچ نقطه ای از

صحنه ها با نقش مهر اسمعیل که محتملاً کتابدار است مشخص شده است. در عموم صحنه ها به ویژه رنگهای شنجرف، لاجورد و زرد غالب هستند و از طلا به خصوص در صحنه گذر سیاوش از آتش در حد وسیع استفاده شده است، در این صحنه عموم شخصیت ها و همه عناصر در پی القاء معصومیت سیاوش و همسویی تصویر با متن است و شاید هنرمند نگارگر در خلق صحنه خود را در مواجهه با حکیم طوس می دیده است، در این صحنه بسیاری مناسبات فیزیکی و علت و معلول اشیاء به منظور خلق موضوع، نادیده انگاشته شده اند. آسمان در این مجلس به رنگ طلایی است، ملازمان پادشاه و نظاره کنندگان با لباسهای الزان، درختان شاداب و پادشاه بدون هیچ احساس ناخوشایندی از توده آتش بر تخت نشسته و سیاوش را می نگرند که از آتش می گذرد.

این اثر علی رغم وجهه ظاهری آن که از سلامت کامل حکایت دارد، دارای تعدادی اوراق مصدوم و رطوبت دیده است که محتملاً در دوره قاچار به مرمت یافته و وصالی شده اند، مصدومیت به روای معمول در بسیاری از نسخ خطی برگزیده آغازین و اختتام و تعدادی مینیاتورها را شامل می شود، مضافاً که اوراق ۱۷۷ و ۲۵۱ آن الحاقی، نویسی با تزئینات نازل و به شیوه کتابی متفاوت از کل نسخه است.

این اثر نفیس به شماره ۶۵۶ از زردیف ۶۷ جزء ذخایر اموال فرهنگی موزه رضا